

انسان شناسی و جلودی

بررسی وضع انسان، نه فرهنگ

مایکل جکسون

ترجمه اصغر ایزدی جیران عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

کتاب انسان شناسی



انتشارات تیسرا

www.ketab.ir

به نام خالق پیدا و پنهان
که پیدا و نهان داند به یک سان

سرخاسه	:	جکسون، مایکل، ۱۹۴۰ - م.	Jackson, Michael
عنوان و نام پدیدآور	:	انسان‌شناسی وجودی؛ بررسی وضع انسان، نه فرهنگ / نویسنده: مایکل جکسون، گردآوری و ترجمه: اصغر ایزدی جیران.	
مشخصات نشر	:	تهران: نیسا، ۱۳۹۶.	
مشخصات ظاهری	:	۱۹۲ ص، ۶-۷، دول، نمودار؛ ۲۱×۱۴/۵.	
فروست	:	شارا نیسا؛ شماره نشر ۲۳۷. کتاب انسان‌شناخت؛ ۲۲.	
شابک	:	۱۹۹۰۰۰ رال؛ 5/ 978-600-7683-7	
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا	
یادداشت	:	کتاب حاضر گسترش و ترجمه از آثار مختلف نویسنده است.	
موضوع	:	جکسون، مایکل، ۱۹۴۰ - م.	
موضوع	:	Jackson, Michael	
موضوع	:	مارا، سوا باکری، ۱۹۳۴-۲۰۰۳ م.	
موضوع	:	Marah, Sewa Bockarie	
موضوع	:	انسان‌شناسان - سیرالئون - سرگذشتنامه.	
موضوع	:	Anthropologists - Sierra Leone - Biography	
موضوع	:	انسان‌شناسی سیاسی - سیرالئون.	
موضوع	:	Political anthropology - Sierra Leone	
موضوع	:	جنگ و جامعه - سیرالئون.	
موضوع	:	War and society - Sierra Leone	
شناسه افزوده	:	ایزدی جیران، اصغر، ۱۳۶۲ -، مترجم.	
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۶ ۸۱۳ ج / ۲۱ GN	
رده‌بندی دیویی	:	۳۰۱/۰۹۲	
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۶۰۴۴۴۷	

انسان‌شناسی وجودی: بررسی وضع اندان، نه فرهنگ

گزینش و ترجمه: اصغر ایزدی جیران

مدیر تولید: فاطمه شهبازی

چاپ یکم: زمستان ۱۳۹۶

شماره نشر: ۲۳۷

ویراستار: طیبه حسین‌زاده

صفحه‌آرا: سپیده امری

لیتوگرافی: البرز نوین، چاپ: عطا، صحافی: ساغر مهر

ناظر فنی چاپ: سعید صادقی

تعداد: ۵۵۰ نسخه

قیمت: ۱۹۹۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۳-۷۰-۵

پیشگفتار مایا، جکسون، ترجمه فارسی ۱۳

پیشگفتار مترجم ۱۹

فصل یکم: تقلا برای بودن ۲۵

مایکل جکسون

انسان‌شناسی وجودی ۲۹

لحظات بودن ۳۰

مخاطره‌بودگی حضور ۳۲

طبیعت دوم و تولد دوم ۴۱

به سوی انسان‌شناسی رخدادها ۴۹

خرد و خرده‌هایی برای بودن ۵۳

پی‌نوشت‌ها ۵۶

فصل دوم: قلمروی انسان‌شناسی وجودی ۶۱

مایکل جکسون

مقدمه ۶۱

قلمروی انسان‌شناسی وجودی ۷۰

روش اتنوگرافیک و چرخش فلسفی ۷۹

اولین کار میدانی ۸۳

به سوی انسان‌شناسی فلسفی اتنوگرافیک ۹۵

پی‌نوشت‌ها ۱۰۷

فصل سوم: انسان‌شناسی و چرخش وجودی ۱۱۱

مایکل جکسون و آلبر پی‌یت

وجود و موجود ۱۱۳

زندگی و مفهوم ۱۱۸

نمود و واقعیت ۱۲۱

وجود به مثابه نقطه کور انسان‌شناسی ۱۲۷

مسئله هستی‌شناسی ۱۳۵

پی‌نوشت‌ها ۱۴۴

فصل چهارم: بررسی وجود انسان: خوانش وجودی مایکل جکسون و آلبر پی‌یت ۱۴۷

لارنت دنیزو

از انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی به انسان‌شناسی وجود انسان ۱۵۰

موقیت و حضور ۱۵۳

مشاهده در صحنه انسان ۱۵۹

فردیت یا بین‌الذاتیت ۱۶۲

انسان در فاصله‌ای از خود ۱۶۷

معمای انسان‌شناختی ۱۷۱

پی‌نوشت ۱۷۷

کتابنامه ۱۷۹

فهرست واژگان ۱۹۱

فهرست اسامی ۱۹۷

پیشگفتار مایکل جکسون بر ترجمه فارسی

سخن گفتن از انسان‌شناسی وجودم، اعلان یک تعهد فکری است به درگیری مستقیم با زندگی آن‌گونه که زیسته شده است، با تمام تنوع تجربی، پیچیدگی و بازبودگی‌اش. به جای دست کشیدن از مقوله به دنبال روشن کردن آن‌ها و زدودن رازوارگی‌شان هستیم، دیدن آن‌ها، مثابه چیزهایی که فایده بیشتر یا کمتری از آثار تخیلی، جعبه کمک‌های اولیه، غذای مقوی، و ابزارهای کاراندوز در ارزشمند کردن زندگی‌هایمان ندارند. برخلاف ساختن یا تالیستی افلاطون، کانت و لوی استراوس، در مقابل این فرضیه مقاومت می‌کنم که اندیشه‌ها قدرت نمایش‌دهنده دارند، چه برای انعکاس آینه‌ای طبیعت هستی، چه برای افشا کردن ساختارهای ذهن ناخودآگاه. از این جهت، دیالکتیک فلسفی و انسان‌شناسی وجودی دعوت‌هایی هستند به کاوش آن‌چه فراتر از اندیشه تکرار

۱. بیست و یک ژانویه ۲۰۱۷ (دوم بهمن ۱۳۹۵) بود که نامه‌ای به مایکل جکسون نوشتم و مجموعه مقالاتی که در این کتاب ترجمه کرده بودم را برایش فرستادم. گرچه آثار جکسون تا مدت‌ها من را گرفتار کرده بود، ولی، پیش از این نامه، هیچ ارتباطی با او نداشتم. در کمتر از چهار ساعت پاسخ داد. بسیار ابراز خوشحالی کرد از علاقه‌ام به آثارش و نیز ترجمه فارسی برخی از مقالاتش. خواستم چند کلمه‌ای یا چند جمله‌ای به عنوان مقدمه برای کتاب بنویسد و او سه روز بعد پیشگفتار حاضر را نوشت و فرستاد. م.

دارد، و این‌که چرا موجودات انسانی تهور می‌کنند تا به فراسوی آنچه شناخته شده است بروند. این شیوه‌های فلسفیدن شیوه‌های تردیدی هستند. آن‌ها در مقابل این ایده مقاومت می‌کنند که اندیشه یا زندگی می‌تواند معنای نهایی، قطعیت کامل یا بستر فکری را به دست آورد. اما درحالی‌که همواره در هر موقعیت انسانی چیز بیشتری از آنچه در محفظه یک مفهوم قرار گرفته یا در یک واژه خلاصه شده، وجود دارد، مفاهیم و واژه‌ها هم‌چنان در میان یکی از قد، تمندترین ابزارهای ما در تلاش برای به چنگ آوردن چیز به چنگ‌نیامدنی باقی می‌مانند.

اندیشه‌ها مثل ابزارها هستند. میزان ارزش آن‌ها در ظرفیت‌شان برای کمک به ما در رسیدن به اهداف هرروزه قرار دارد، مثل به‌زیستی شخصی یا جمعی، به جای آوردن همان فلسفی‌ای همچون حقیقت. ولی ابزارها گرایش دارند تا به اهداف تبدیل شوند. آن‌ها نسبت شدن به زندگی خودشان رو می‌کنند یا به مثابه اصطلاحات مرسوم توسط مردم خاص تصاحب می‌شوند. به قول گنرگ «زیمل» این اشکال شییی شده‌اند. آن‌ها عقاید دینی، ایدئولوژی‌های سیاسی، نظام‌های فلسفی و قوانین اخلاقی - همه از فرایند زندگی متولد شده‌اند، چنان‌که بر ما مستولی می‌شوند که «زندگی اغلب به خود بر اساس ساختارهایی که از خودش به مثابه چیزی سخت‌ابزکتیر می‌روند که ده، زخم می‌زند» (زیمل، [۱۹۱۸] ۲۰۱۰: ۱۳ و ۶۱).

تمرکز انسان‌شناسی وجودی این رابطه آزرده بین از چنان است که زیمل «فرایندهای زندگی»^۱ و شکل‌های «بیشتر - از - زندگی» می‌نامد، شکل‌هایی که مازادهایی بر نیازهای اجتماعی ما هستند و اغلب موانعی بر سر راه ارضا شدن‌شان. سارتر این رابطه را به‌طور دیالکتیکی می‌بیند، به مثابه تنش بین آنچه قبلاً هم‌چون رسم، سنت یا عادت تشکیل شده و آنچه موجودات انسانی فعلاً به تلاش می‌کنند به عنوان شرایط زندگی قابل زیست تشکیل دهند (سارتر، ۱۹۶۸: فصل ۳). گرچه سارتر هستی و نیستی (۱۹۴۳) بر اعمال آزاد سوژه‌های

1. life processes

2. more-than-life

انسانی تمرکز دارد، برای سارتر نقد خرد دیالکتیکی (۱۹۶۰)، آزادی تبدیل به مترادفی می‌شود برای «مسیرهای قطعی [در زندگی] که در آغاز معین نیستند»، و برای «لحظات کوچکی که از موجود اجتماعی به‌طور تام مشروط، کسی را می‌سازند که به گذشته به‌طور کامل تسلیم نمی‌شود، به آنچه مشروط شدنش به او داده است» (سارتر، ۱۹۸۳: ۳۵).

همان‌طور که آدورنو، بوردیو و لوی استراوس وجودگرایی را با کار اولیه سارتر می‌شناسند، بسیاری از انسان‌شناسان «انسان‌شناسی وجودی»^۱ را تلاشی واک‌سوز برای برگرداندن علم اجتماعی به شکلی بورژوازی از سوبژکتیویسم متمرکز بر فرد^۲ درون‌بودگی و شهود می‌دانند. با در نظر گرفتن شیفتگی انسان‌شناسی به مفاهیم فرهنگ که ریشه در اندیشه ایدئالیستی دارد، این دیدگاه مایه بهت‌زدگی نسبت به تحول انسان‌شناسی وجودی در تمرکز بر موقعیت‌ها،^۳ رخدادهای حیاتی^۴ و تجربه زیسته، در مقابل شیئی کردن فرهنگ مقاومت کرده و راهی به بیرون رفتن از بن‌بست ایدئالیسم بدون بازگشتن به جبرگرایی مادی پیش می‌نهد.

عیب مهلک ایدئالیسم بورژوازی^۵ این است که آن به آرایش اندیشه و زبان به مثابه ابزارهایی جادویی برای فراتر رفتن از واقعیت است، به جای درگیر شدن با آن. همان‌طور که آدورنو درباره کی‌یر که گارامی^۶ می‌گوید، درون‌گرایی روحانی او بازتاب دکور خانه‌های بورژوازی قرن نوزدهمی است، با پناه گرفتن از جهانی که روز به روز ناخوشایند می‌شود (جی، ۱۹۸۴: ۳۰).^۷ این جهانی که در واقع ریشه‌های مادی برتری و قدرت بورژوازی را تأمین می‌کند، سربرگ مارکوزه در نقدش بر «آیین ایدئالیستی درون‌گرایی»^۸، تأکید می‌کند که تقابل مادی بدن و روح، عشق و سکس یا اندیشیدن و عمل کردن، که تقسیم‌های اجزای اجتماعی بین «طبقات بالای» ظاهراً پالوده و نظم‌های به‌اصطلاح پایین‌تر را حمایت می‌کنند، توسط دانشگاهیان برای کسانی طنین‌انداز می‌شوند که جهان اندیشه برای آن‌ها

1. existential anthropology

2. situations

3. critical events

4. idealist cult of inwardness

روز به روز از واقعیت بیگانه می‌شود. در برتری دادن لوگوس بر زندگی و تولید زبان‌های تخصصی برای خلق حال و هوای اقتدار و همه‌چیزدانی، روشن فکر نه تنها خودش را از جهان کسانی که زمانی برای اندیشیدن، اوقات فراغتی برای مطالعه کردن یا پولی برای آتش زدن ندارند دور می‌کند؛ بلکه از اندیشه و زبان هم چون سنگربندی‌هایی در برابر همان جهان استفاده می‌کند. در بستن چشم‌ها به روی حوزه‌های تجربه‌ای که پربار، ژرف یا بیان‌ناپذیر بودند، روشن فکر خوش و خرم شمار وسیعی از افراد را، بر این اساس که زمین‌های آن فراسوی حصار دفاعی بوده‌اند، حذف می‌کند.

آن طه، که من می‌فهمم، مأموریت انسان‌شناسی، نوشتن علیه این عادات حذف کردن زندگی‌های دیگر و شکل‌های دیگر زندگی است، آن‌طور که گویی زندگی حریفش صیقل‌یافته‌ای کل چیزهاست. انجام دادن اتنوگرافی، درگیر شدن با زندگی‌های دیگر از در زبان‌های خودشان، در زبان‌های خودشان، در زمان خودشان و بر اساس سرائر خودشان است. ولی این غوطه‌وری در زیست جهان دیگر، توجیه نهایی خود را در ابواب شهادت دادن به این که چگونه نیمه دیگر می‌زید (و می‌میرد)، نه در ابواب بهبود بخشیدن به داشته دیگری و نه در خواست اجتناب از کوتاه‌نظری، بلکه در مهدی می‌یابد به کشف یا بازیابی معنایی از آن‌چه از تکین‌بودگی خود فرد - فرهنگی و چه شخصی، فراتر می‌رود و، خوب یا بد، انسانیت مشترک فرد را تسکین می‌دهد.

اتنوگرافی نمونه این فضیلت است. اما این ممکن نخواهد بود مگر این که برخی از ریشه‌های مشترک را پیش فرض بگیرد - صرفیتم به‌طور تکاملی پدیدار شده، اگر نه به‌طور فرهنگی قابل تصدیق، برای بازسازی و تعمیق خود شخص و خود شخص در دیگری. این ظرفیت‌های تماماً انسانی عبارت است از ظرفیت تقلید برای یادگیری زبان‌ها و کسب مهارت‌های عملی، و برای شکل دادن به پیوندهای عاطفی. این ظرفیت‌ها مبتنی بر نیازهای انسانی جهان‌شمول هستند - برای بازشناسی، احترام، غذا، آب، سرپناه و عاطفه - برای

وفق دادن نیازهای خود شخص با نیازهای دیگران، برای عمل کردن به جای صرف در معرض عمل بودن، برای سازگار شدن با اضطراب‌های یک مرگ و اندوه از دست دادن فردی دوست داشتنی، و درآوردن شیوه‌هایی برای رویارویی با باردوکس وجودی تکین بودن و متفاوت بودن در جهانی که شخص با میلیون‌ها نفر از همان نوع مشترک است، کسانی که مغزها و رفتارهایشان یک تکامل مشترک را نشان داده و زندگی‌هایشان با زندگی خود زمین به بند متقابل دارد.

مایکل جکسون

مدرسه الهیات هاروارد، ژانویه ۲۰۱۷